

عطر پنهان در باد

داستان‌های زنان درباره‌ی زنان

گردآوری و ترجمه:

اسدالله امرایی



نقش و کتاب

اسدالله امرایی، ۱۳۳۹، گردآورنده و مترجم
عطر پنهان در باد: داستان‌های زنان درباره‌ی زنان [گردآوری و ترجمه] اسدالله
امرایی. تهران - نقش‌ونگار: ۱۳۸۵
۲۸۸ ص.

ISBN 964-7002-15-7

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: عطر پنهان در باد

۱. داستان‌های کوتاه - مجموعه‌ها. ۲. زنان در ادبیات. الف - عنوان

۸۰۸ / ۸۳۱

ع ۱۷ الف / ۱ PZ

۱۳۸۴

م ۸۴-۴۲۷۵۹

کتابخانه ملی ایران



نقش و نگار

تهران - انقلاب، ۱۲ فروردین، شهدای ژاندارمری، شماره ۲۳۲

تلفن: ۶۶۴۹۶۲۳۹-۶۶۹۵۰۷۲۵

عطر پنهان در باد

ترجمه‌ی اسدالله امرایی

حروف‌نگار: سعید رستمی

لیتوگرافی: بهروز

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

سال نشر: ۱۳۸۶

چاپ: آراین

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقش‌ونگار است.

۳۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	به جای مقدمه
۱۰	رفقا / نادین گوردیمر
۱۶	خانه‌ای در ساحل / سوفیا دو مولدیرینو
۲۶	سراب / طلعت عباسی
۳۳	والس / دوروتی پارکر
۴۰	انتقام / ایزابل آلتده
۵۱	تنهایی / جین آن فیلیس
۵۳	بنای یادبود / پیگن کندی
۵۸	جادوگر / شرلی جکسن
۶۴	خانم‌های چاق مثل بادکنک در آسمان شناورند / آماندا دیویس
۷۱	همه چیز درست می‌شود / کاترین آلپرت
۷۴	کی، من را می‌گویی؟ / لویسا والنسوئلا
۷۸	سمفونی / پم هاستن
۸۳	اسکناس ده فرانکی / ادیت پرلمان
۸۸	زندگی خفایش من / مارگارت اتوود
۹۳	مال تو / مری رایسون
۹۷	یازده ساله / ساندراس سیمنروس
۱۰۲	معتادان / گرتروید فرایدبرگ
۱۱۴	آش آسمانی / لن سامانتا چانگ

غوضی‌ها / کاتلین وست	۱۱۸
پسر زنی که کنار رودخانه بود / ملانی راتون	۱۲۲
گریه در مفید / آنجلا کوتتینو دونش	۱۴۲
مردی که باید ابرپاران‌زا می‌فرستاد / لسلای مارمن سیلکو	۱۳۶
زاغ سیاه / پم اولمان	۱۴۳
ویولن / لیو دمیل پتروشفسکایا	۱۴۸
آی.وی.ام. ۱۰۰۰ / آلیسیا یانیث کوسیو	۱۵۵
خاطرات یک الاهی الهام / لارا واپنیار	۱۶۰
آستانه / کریستینا پری روسی	۱۷۳
می‌ایستیم اینجا و اتو می‌کنم / تیلی اولسن	۱۸۰
این همه راه از کوبا آمده‌ایم / آچی اوبه‌خاس	۱۹۲
خاله خانم / استر دیاس یانیو	۲۱۳
مصری‌ها / آدلایدا فرناندس درخوان	۲۱۶
بقالی سیاه / سیلوینا اوکامپو	۲۲۱
پیانیست / خیمه‌نا آرناال فرانک	۲۲۸
تارسیسو / دینا سیلبیرا دو کوئیروس	۲۳۳
زندانی غینکی / اسی هلد	۲۴۸
نامزد تسلی‌ناپذیر جوان ناکام / ماریا ژودیت دو کاروالهو	۲۵۶
۱۹۱۹ / تونی موریسون	۲۶۳
ارتفاع متوسط امواج در آب‌های بی‌حفاظ / آن تایلر	۲۷۴

به جای مقدمه...

نگاه مهر و کین نویسنده در متن زندگی

نگاه مهر و کین هنرمند همواره با نگاه دیگران فرق داشته است. هنرمندان با عالمان و اهل فلسفه و منطق و حسابگری سری جدا دارند. از آن رو که آنان در معادلات چند مجهولی خود همواره سنجیده و دقیق یا صفری و کبری پیش می‌روند، حال آنکه هنرمند شوریده است. اهل علم و تحقیق، قفل همه‌ی عالم را نزد خود می‌دانند، و هرگز از مقدمات علمی و فرمول و غیره نمی‌گذرند. اگر از اهل علم، بخصوص در زمینه‌های محض، سؤالاتی بپرستند، بعد از مدتی با آمار و رقم و البته این روزها با رایانه و اینترنت و باقی روش‌های نوین جواب سؤال را فراهم می‌کنند و در صحت و سقم آن هم چندان چون و چرا نمی‌آورند، اما در بسیاری از موارد پای استدلال چوبین است. حوادثی پیش می‌آید که همه‌ی رشته‌های اهل علم را پنبه می‌کند.

اینجاست که استثنا می‌تراشند. اما هنرمندان گویی از جنم دیگرند. آن‌ها در هیچ قالبی نمی‌گنجند. ابزار آن‌ها هنرشان است و تفکری که در پس آن نهفته است. هنرمند زبان رؤیای آدمی است و آن‌گاه که ردای داستان به تن می‌کند، زبانش از نوک قلم بیرون می‌آید. دوستان خرده‌نگیرند که حالا دیگر قلم کهنه شده و پردازشگر و رایانه و...

هنرمند داستان‌نویس گوشه‌ی چشمی به گرفتاری‌های مردم روزگار خود دارد. همه‌ی عاشقان مبشر گوشه‌هایی از این رباط کهنه را روشن می‌کنند و از درد می‌گویند و از عشق، از کام و ناکامی، نگاه نویسنده با سیاستمدار فرق دارد. سیاستمدار پیش از سخن گفتن باید ملاحظه‌ی بسیاری از مسائل را بکند که هنرمند نویسنده برای آن‌ها تره هم خرد نمی‌کند. این روزها که عصر انفجار اطلاعات نامیده می‌شود، هیچ خبری پنهان نمی‌ماند. هرچند معلوم نیست آن خبر چقدر بر روی آنتن بماند، یا تأثیر فوری و آنی آن چیست و کجاست، اما داستان چنین نیست. بینوایان هوگو همچنان با لذت خوانده می‌شود و هنوز از روی آن فیلم می‌سازند و هنوز شاهد بازرس ژاور هستیم که در گوشه گوشه‌ی دنیای پهناور به خیال خود دمار از روزگار قانون‌شکنان در می‌آورد. اما ژان والژان هم، نه هنوز نمرده. هنوز هملت خواهان دارد و هنوز رومئو و ژولیت به هزاران زبان بیان می‌شود. داستان رستم دستان برای همین تازگی دارد.

نویسنده ابزاری دارد که هیچ قدرتی را یارای مقابله با آن نیست. نیروی تخیل نویسنده داستان را جاویدان می‌کند. نویسنده در کنار مسئله‌ای تازه وقایع را در ذهن خواننده حک می‌کند.

مجموعه‌ی حاضر از مجموعه‌ی سه‌گانه‌ی داستان‌های زنان درباره‌ی زنان است. جلد اول آن با نام دلیل در سال ۱۳۸۰ منتشر شد که در نوع خود تا جایی که مترجم به یاد دارد یگانه بود. مجموعه‌ای از نویسندگان زن جهان که درباره‌ی هموعان خود نوشته و از درد و رنج و عشق و شادمانی حرف زده بودند. بسیاری از آن‌ها برای اولین بار نام‌شان در زبان فارسی شنیده می‌شد. در این مجموعه نیز همه‌ی دنیا سهم دارد. از آفریقای جنوبی بانوی آزاده نادین گوردیمر برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات که عمری را به مبارزه با سلطه‌جویی سفیدپوست‌های استعمارگر گذرانده در کنار سوفیا دو مول برینر آنگولایی قرار می‌گیرد که برای اولین بار نامش

را می شنویم. پیکن کندی، آماندا دیویس، کاترین آلپرت، پم هاستن، مری رایسون، گرتروود فرایدبرگ و ملانی راتون هر کدام از گوشه‌ای از دنیا بلند شده‌اند. از همه جا روسیه، امریکا، هند، آفریقا، پاکستان، چین، برخی تباری دیگر دارند اما تابع کشوری دیگر هستند.

اغلب نویسندگان مجموعه زنده هستند، جز چند تن از جمله آماندا دیویس که چند روزی پس از مصاحبه با مترجم، در سفری فرهنگی در حادثه‌ی سقوط هواپیمای شخصی‌اش، همراه با پدر و مادرش رخت از این دنیا بست. چقدر هم به ایران و ادبیات ایران علاقه داشت و شاعران آن را می‌ستود. از تحقیر آدمیان می‌نالید و نگران عواقب جنگ در کشورهای دیگر بود. اما افسوس که عمرش به جهان وفا نکرد و زود رفت. نویسندگان این مجموعه هم مثل داستان‌های دلیله با تحقیر آدمی به بهانه‌ی ملیت و قوم‌گرایی و یکه‌سالاری سر سازگاری ندارند.

اما در دنیای امروز نویسنده چه جایگاهی دارد؟ آیا تنها برای شاد کردن دلی می‌نویسد؟ آیا شادی و لذتی که از یک داستان حاصل می‌شود، در همه جا یکسان است؟ به اعتقاد من به عدد خوانندگان داستان راه برای تأویل متن و لذت بردن از آن وجود دارد. ذکر این نکته ضرورت دارد که هر جا بحث داستان طرح شده، نگاه من به داستان ادبی است نه ادبیات‌گریز و کلیشه‌ای. زمانی که ادگار آلن پو و ناتانیل هاثورن و بعدها واشنگتن ایروینگ ساختار داستان کوتاه را تعریف کردند، داستان‌نویسان زن تعدادشان از عدد انگشتان دست فراتر نمی‌رفت. امروز در همه‌ی ژانرهای ادبی، اگر عده‌ی زنان به تعداد مردان نباشند کم از آنها نیست. وقتی می‌گوییم داستان درباره‌ی چه چیز حرف می‌زند، اشاره‌مان در اصل این است که در داستان چه اتفاقی افتاده. پیام داستان پیام زندگی است و لاغیر.